خبرها

بودجه آهنگسازی ارکستر ملی بیشتر شد

میراث خبر: با تصویب شورای عالی سیاستگزاری موسیقی، بودجه آهنگسازی برای ارکستر موسیقی ملی ۲۵ درصد افزایش یافت. شورای عالی سیاستگزاری دفتر امور موسیقی معاونت هنری ارشاد، در نخستین جلسه این شورا در سال جدید که با حضور محمد حسین ایمانی خوشخو انجام شد درباره وضعیت ارکستر موسیقی ملی به بحث و تبادل نظر پرداخت. داریوش پیرنیاکان سخنگوی شورا در این باره گفت: «تصمیمات خوبی گرفته شده است. از همه مهم‌تر اینکه بودجه آهنگسازی برای ارکستر موسیقی ملی نسبت به مصوبه قبل، ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده است.» او ادامه داد: «آقای فخرالدینی رهبر ارکستر ملی در این جلسه اعلام کرد که ارکستر آمادگی دارد برای ۱۵ برنامه مختلف و متفاوت در سال رپرتوار تهیه کند. برای تهیه این رپرتوارها هم بودجه‌ای کنار گذاشته شد که در اختیار ارکستر ملی قرار می‌گیرد.» سخنگوی شورای عالی سیاستگزاری همچنین با اشاره به اینکه شورا با رهبری ارکستر سمفونیک تهران توسط نادر مشایخی موافقت کرده است افزود: «خوشبختانه ارکستر سمفونیک در سال جدید سر و سامانی پیدا می‌کند. قرار است نادر مشایخی برای یک فصل هنری رهبری و مدیریت هنری ارکستر را بر عهده بگیرد و پس از پایان فصل اگر ایشان و نوازندگان ارکستر به مشکلی برخورد نکردند و به ادامه همکاری تمایل داشتند، رهبری دائم ارکستر را هم برعهده بگیرد.» همچنین در این جلسه که با حضور مدیر دفتر موسیقی و معاونت هنری تشکیل شد، قرار شد اعزام گروه‌های هنری به خارج از کشور و دعوت گروه‌های خارجی و همچنین سایر فعالیت‌های پژوهشی و اجرایی با مشورت شورا و در صورت توافق اعضا صورت بگیرد. همچنین مقرر شد شورا تا پایان اردیبهشت ماه به کار خود ادامه می‌دهد و در صورتی که دفتر موسیقی تعهدات خود را انجام داد، شورای سیاستگزاری هم همکاری‌اش را تمدید می‌کند. در غیر این صورت همه اعضا از شورا کناره‌گیری می‌کنند.

سفر ارکستر سمفونیک تهران به آلمان

میراث خبر: سفر ارکستر سمفونیک به آلمان برای حضور در جشنواره موسیقی شرقی پس از دیدار دبیر جشنواره و مسئولان دفتر موسیقی ارشاد قطعی شد. دفتر امور موسیقی معاونت هنری ارشاد، برای حضور ارکستر سمفونیک تهران در جشنواره موسیقی شرقی با برگزارکنندگان این جشنواره همکاری می‌کند. این ارکستر جشنواره موسیقی شرقی را که برای دومین سال متوالی برگزار می‌کند، افتتاح می‌کند. میشل درایر دبیر جشنواره موسیقی شرقی که قرار است بیستم آگوست (۲۹ مردادماه) تا سوم سپتامبر (۱۲ شهریورماه) در اسنابروک آلمان برگزار شود، به ایران آمده است تا با مسئولان دفتر موسیقی دیدار و درباره برگزاری این جشنواره مذاکره کند. او تصمیم دارد گروه‌هایی از انواع موسیقی‌هایی که در ایران رایج است برای حضور در این جشنواره انتخاب کند. به گفته میشل درایر دفتر موسیقی از برگزاری این جشنواره ابراز خوشحالی کرده است و در حال حاضر مشغول انجام مذاکراتی برای همکاری‌های بیشتر هستند. تا به حال حضور ارکستر سمفونیک تهران، سالار عقیلی، گروه موسیقی عمرخیام و هنرمندی ایرانی به نام شریعت‌زاده به همراه گروهش در این جشنواره قطعی شده است. علاوه بر هنرمندان ایرانی، موسیقیدانانی از کشورهای دیگر آسیایی در این جشنواره حضور دارند. اما تاکید برگزارکنندگان جشنواره موسیقی شرقی بر موسیقی و فرهنگ ایران متمرکز شده است.

کنسرت جلال ذوالفنون در دانشگاه تهران

مهر: گروه موسیقی ذوالفنون ۱۹ اردیبهشت ماه در دانشگاه تهران کنسرت برگزار می‌کند. گروه ذوالفنون که قرار بود ۱۲ اردیبهشت به مناسبت روز معلم در دانشگاه تهران کنسرت دهد، برنامه خود را به ۱۹ اردیبهشت موکول کرد. این کنسرت در تالار ابن سینای دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در دو بخش «شور» و «ابوعطا» برگزار می‌شود. قطعاتی چون «قصد جفا» و «غریبانه» در بیات ترک و «وقت طرب» و «دولت عشق» در دستگاه شور از جمله قطعاتی است که در این اجرا نواخته می‌شود. نوازندگانی چون سروش قهرمانلو (سه‌تار)، آرش زنگنه (دف) و بامداد فلاحتی به عنوان خواننده نوای سه‌تار جلال ذوالفنون را همراهی می‌کنند.

افت بی‌سابقه تولید موسیقی پاپ در ایران

آغاز پاپ‌زدگی

مرضیه رسولی

سالی که موسیقی پاپ دیگر نمی‌تواند قهرمان بازار موسیقی ایران باشد. یکه‌تازی او به پایان می‌رسد و منتقدان نفس راحتی می‌کشند و به مدافعان دهن‌کجی می‌کنند. امسال همان سال است. حالا ویترین فروشگاه‌های موسیقی از پوستر خوانندگانی غیر از خوانندگان پاپ پر می‌شود. دست‌اندرکاران منزوی سبک‌های دیگر موسیقی هم می‌توانند در مقابل شنوندگانشان، خودی نشان بدهند و بهانه‌ای با عنوان تغییر منفی ذائقه مخاطب به دلیل شیوع بی‌رویه موسیقی پاپ نداشته باشند. هشت سال از بی‌رقیب بودن موسیقی پاپ در جدول تولید و فروش می‌گذرد و امروز که بسیاری آن را به عنوان شغل اصلی خود برگزیده‌اند، باید به اتهام تولید موسیقی «غیر فاخر» دست از کار بکشند و منتظر تفهیم اتهام و بعد ردش باشند. صف خوانندگان بی‌شمار این موسیقی باید به دنبال شغل دیگری بروند، به انتظار به وجود آمدن امنیت شغلی در حرفه خود بنشینند یا پایان دوره محرومیت و محدودیت. اشتغال‌زایی برای جوانان در این بخش که یکی از اهداف دولت است، معنا ندارد.

■ تولید موسیقی غیرفاخر ممنوع

همه چیز از اختتامیه بیست و یکمین جشنواره موسیقی فجر شروع شد. وقتی که حسین صفارهرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مقابل جمعیت موسیقیدانان حاضر در تالار وحدت قرار گرفت و از لزوم خلق موسیقی فاخر و منع تولید موسیقی مبتذل گفت. سخنرانی او درباره موسیقی چند ماه بعد از ابلاغیه رئیس‌جمهوری به صدا و سیما بودکه ترویج موسیقی مبتذل و غربی را در این رسانه منع می‌کرد. (و البته این ابلاغیه تغییری در برنامه‌های صدا و سیما به وجود نیاورد.)

از فردای آن روز اهالی موسیقی که بیشتر باتجربگان موسیقی سنتی و کلاسیک ایران را تشکیل می‌دادند، در موضع‌گیری‌های متفاوت نگرانی خود را از خلق واژه‌ای جدید در موسیقی با عنوان «موسیقی فاخر» اعلام کردند. آنان خواستار تفسیر دقیق این واژه از سوی وزارت ارشاد شدند، در حالی که خود تعاریف متفاوت و گاه متضاد از یکدیگر ارائه کرده بودند. چگونه می‌توان واژه فاخر را تعریف کرد و مشخصات آن را برشمرد؟ وزیر ارشاد البته در صحبت‌های مختلف سعی کرد منظور خود را از به کار بردن این عبارت واضح‌تر بیان کند و چند هفته بعد کارکنان او در بخش نظارت و ارزشیابی مرکز موسیقی در عمل منظور وزیر ارشاد را نشان دادند. وقتی که آلبوم‌های موسیقی پاپ یکی پس از دیگری برای گرفتن مجوز انتشار وارد این بخش شد و دیگر راهی برای خروج نیافت. موسیقیدانان سنتی و کلاسیک ایران نفس راحتی کشیدند و دست از تعریف و تفسیر واژه فاخر برداشتند. گفته‌های وزیر ارشاد در آن سخنرانی متوجه آنان نبود.

■ ویترین‌های خالی

فروشندگان محصولات موسیقی پاپ در فروشگاه‌های مختلف می‌گویند تولید این موسیقی از ماه‌های پایانی سال ۸۴ تا روزهایی که در سال جدید سپری شده، بیش از ۵۰ درصد افت داشته است. شرکت‌های تولیدکننده حالا برای انتشار کارهای جدید مردد هستند و به بازنگشتن سرمایه خود فکر می‌کنند. بابک چمن‌آرا مدیر فروشگاه بتهوون می‌گوید: «سال ۸۳، بیست روز مانده به پایان سال هر روز بیشتر از ۵ آلبوم موسیقی پاپ تولید می‌شد اما در سال ۸۴، به انتشار ۵ یا ۶ آلبوم تازه در ماه پایانی سال رسید. یکی از علت‌هایش عدم صدور مجوز برای خیلی از کارهای پاپ است و دلیل دیگر بلاتکلیفی شرکت‌ها. آنها نمی‌دانند در این شرایط باید فعالیت خود را ادامه بدهند یا نه و خیلی‌هایشان تا شفاف نشدن این فضا ترجیح می‌دهند برای انتشار آلبوم هزینه نکنند.» حالا به جای درآمدزایی، تولیدکنندگان پاپ باید اندوخته‌های خود را خرج کنند و از تلاش برای پیدا کردن خواننده‌ای که یک‌شبه ستاره شود، دست بردارند. آن هم درشرایطی که خیلی از مخاطبان این موسیقی که در کنار موسیقی لس‌آنجلسی به آن گوش می‌سپردند و حتی آهنگ‌های تولید شده در ایران را بعضی وقت‌ها به آهنگ‌های تولید شده در خارج ایران ترجیح می‌دادند. حالا تا مدت‌ها از شنیدن آهنگ‌های جدید خوانندگان مورد علاقه خود محروم هستند. یکی از آنها علیرضا عصار است که سال گذشته هیچ آلبوم جدیدی از او به بازار نیامد. او خیلی سربسته دلیل کم‌کاری خود را وسواس و فکر کردن به انتشار آلبوم می‌داند و می‌گوید نه آلبومی به وزارت ارشاد فرستاده و نه درخواستی برای برگزاری کنسرت داشته است. اگرچه بیست روز از پایان ضبط مجموعه جدیدش می‌گذرد. خشایار اعتمادی همه چیز را موکول به روشن شدن شرایط می‌داند: «محدودیت‌هایی که به وجود آمده، تعریف شده نیست. هیچکس نمی‌داند که به او اجازه کنسرت داده می‌شود یا نه و دلیل جواب منفی ارشاد به متقاضیان چیست. به وضعیتی رسیده‌ایم که دوباره باید بحث‌های ۸ سال قبل که موسیقی پاپ در کشور احیا شد، برگردیم و در نشست‌ها و گفت‌وگوهای مختلف همان حرف‌ها را ثابت کنیم. فکر می‌کنم حالا این کار، کار عبثی است، چون ما باید برای چیزی بجنگیم که هشت سال پیش ثابتش کرده بودیم.»

اعتمادی مستقیماً برای گرفتن مجوز آلبوم یا کنسرت اقدام نکرده چون سایرین که رفته‌اند، سرخورده برگشته‌اند. او می‌گوید وزارت ارشاد باید با قطعیت موضع خود را مشخص کند: «من آدم قانون‌گریزی نیستم و دلم نمی‌خواهد کاری کنم که در تفسیر موجه و در عمل غیرموجه است. اگر کار ما موجه است باید چارچوب‌هایی برای آن مشخص کنند و اگر موجه نیست این را به صورت واضح بگویند. آن وقت ما تکلیف خود را می‌دانیم چرا که در نص صریح قرآن آمده اگر در جایی که هستی نمی‌توانی کارکنی هجرت کن.»

به گفته او ایرادهای وزارت ارشاد برای دادن مجوز بیشتر سلیقه‌ای و متفاوت از گذشته است. اما محسن رجب‌پور مدیر شرکت ترانه شرقی که چند روز پیش حرف‌های اعتمادی و دیگر شرکت‌ها را درباره آغاز ایجاد محدودیت‌ها تایید می‌کرد، حالا نظرش عوض شده و به بهتر شدن شرایط امیدوار است. امیدوار برای باز شدن در سالن میلاد به روی برگزارکنندگان کنسرت‌های پاپ. شرکت ترانه شرقی با انتشار آلبوم ۸۵ با صدای «بنیامین بهادری» در روزهای پایانی سال گذشته یک تکان اساسی در بازار راکد موسیقی به وجود آورد و خیلی‌ها را بهت‌زده کرد. در شرایطی که وزارت ارشاد خیلی از آلبوم‌های پاپ را معطل گذشته، چطور به این آلبوم مجوز داده است؟ البته رجب‌پور می‌گوید آلبوم ۸۵ بیشتر از ۴ ماه در انتظار مجوز در ارشاد بوده و به یکباره منتشر نشده است. حالا این کار در سراسر کشور بیشتر از یک میلیون نسخه فروش رفته است و تازه این رقم بدون احتساب کپی‌های غیرمجاز آن است. شرکت ترانه شرقی در سال گذشته تنها چهار یا پنج آلبوم تولید کرده و این در حالی است که در سال ۸۳ تعداد تولیدات این شرکت بیشتر از ۳۰ آلبوم بوده است. امسال اما رجب‌پور می‌خواهد برای آریان در تهران ترتیب کنسرتی را بدهد و آلبوم آریان چهار را هم وارد بازار کند. خوش‌بینی شرکت ترانه شرقی البته در بقیه شرکت‌ها وجود ندارد. «صدرالدین حسین‌خانی» مدیر شرکت ایران گام که یکی دیگر از شرکت‌های تولیدکننده موسیقی پاپ است می‌گوید که از اواخر سال گذشته این شرکت تولید خود را متوقف کرده است: «شرکت‌های تولیدکننده در بلاتکلیفی کامل به سر می‌برند. وزارت ارشاد کاری را که رویش سرمایه‌گذاری شده یک سال نگه می‌دارد و سرمایه ما را می‌خواباند و دست آخر هیچ جوابی برای تایید یا عدم تایید آلبوم نمی‌دهد. در حالی که این وزارتخانه باید به جای سخت‌گیری برای شرکت‌ها جلو فروشنده‌هایی که به طور غیرقانونی اقدام به تهیه کپی و فروش آنها می‌کنند، بگیرد. دور و اطراف ما پر شده از متقلبانی که سه سی‌دی را به قیمت هزار تومان می‌فروشند و به شرکت‌های تولیدکننده خسارت می‌زنند.»

علاوه بر پایین آمدن آمار تولید موسیقی پاپ، خرید آن هم دیگر مثل سابق نیست و فروشندگان می‌گویند به نسبت افت تولید، تقاضا هم کم شده است. حسین خانی می‌گوید یک کار تازه است که مشتری را به فروشگاه می‌کشاند و اگر این کار تازه وجود نداشته باشد او هم انگیزه‌ای برای خرید ندارد. آرا البته متفاوت است و این یکی از ویژگی‌های فضای موسیقی در ایران است. مثل تعریف عبارت موسیقی فاخر می‌ماند. محمدرضا اسفندیاری مدیر شرکت آوای باربد می‌گوید که در این چند سال هیچ وقت شرایط برای این شرکت بد نبوده است. «تولید ما در سال ۸۴ به نسبت سال‌های دیگر بیشتر هم بود و این نشان می‌دهد که مجوز دادن محدود نشده بلکه ما پرکارتر بودیم و سرمایه‌گذاری بیشتری کردیم.» بیشتر تولیدات آوای باربد را البته موسیقی خارجی تشکیل می‌دهد و به همین دلیل سرمایه‌گذاری اولیه خیلی کمتر از تولید کارهای داخلی است چرا که نه هزینه استودیویی وجود دارد، نه نوازنده‌ای وجود دارد که حق و حقوق خود را بخواهد، نه خواننده‌ای و نه آهنگسازی. حق و حقوق این عوامل در خارج از کشور پرداخت شده و آوای باربد به مدد نداشتن قانون کپی رایت می‌تواند این آثار را با صرف هزینه بسیار کمی منتشر کند. این شرکت به تازگی مجموعه‌ای بیست‌گانه از موسیقی بی‌کلام خارجی شامل سلوی چند ساز، آثار چند موسیقیدان کلاسیک و جاز با عنوان موسیقی برای Relaxation منتشر کرده که البته مشخص نیست تشخیص آرامش‌بخش بودن این موسیقی‌ها با خود مسئولان شرکت بوده یا پزشکانی که این مجموعه را برای انتشار در ایران پیشنهاد کرده‌اند.

علاوه بر آوای باربد امیر تاجیک هم از فضای موجود راضی است. او می‌گوید: «من خواننده رسمی وزارت ارشاد و صدا و سیما هستم و همیشه حد و حدود را در کارهایم رعایت کرده‌ام بنابراین کارهایم با مشکل مجوز برخورد نمی‌کنند.» آلبوم جدید او مجوز گرفته و بعد از جام‌جهانی فوتبال به بازار می‌آید در حالی که بالاخره معلوم نشده که او خواننده سرود رسمی ایران در جام جهانی است یا عصار یا خواجه حافظ شیرازی.

■ اگر پاپ نباشد

تا امروز همه چیز از این قرار است. شاید مثل همیشه یکباره شرایط تغییر کند، مشکلات حل شود و موسیقی پاپ در ردیف اول تولیدات موسیقی بایستد یا شاید طرفداران دوآتشه موسیقی سنتی ایران در نبود این نوع موسیقی نفس راحتی بکشند و خودی نشان بدهند اگرچه می‌دانند که نمی‌توانند مخاطبان پاپ را به سوی خود جلب کنند، چرا که اگر پاپ وطنی هم نباشد آنان همیشه چیزی برای گوش کردن دارند، چیزی که با ذائقه‌شان سازگار باشد، اگرچه اینجایی نباشد.

یادی از استاد غلامحسین بنان، به مناسبت زادروز او

انگار زیادی بزرگ شده بودیم

علی شیرازی

آخرین سال‌های حکومت پهلوی است. جشن مفصلی به مناسبت سالروز افتتاح رادیو ایران در حال برگزاری است. در این مراسم که به‌طور مستقیم در حال پخش تلویزیونی ـ و البته رادیویی ـ است هنرمندان زیادی حضور یافته‌اند. دو مجری خانم و آقا، با حرف‌های شاد و شنگول، مراسم را «جشن تولد» نام گذاشته و اصلاً به یک شوی تلویزیونی تبدیل کرده‌اند. در کنار چهره‌های مشهور موسیقی روز، گاه معدودی از هنرمندان مقبول و اصیل نیز به روی صحنه دعوت می‌شوند. تا این که موقع بریدن کیک جشن تولد، خانم مجری از «آقای بنان» می‌خواهد تا زحمت این کار را برعهده بگیرد. «بنان» مثل همیشه با ظاهری آراسته و رنجیده‌خاطر از شرایط حاکم بر هنر و به‌ویژه موسیقی، به صحنه می‌رود. مجری از او می‌خواهد تا کلامی بگوید یا آوازی بخواند؛ اما او حتی به میکروفن نزدیک هم نمی‌شود. حین بریدن کیک از مجری می‌خواهد تا از سوی او تبریکی به مردم و میهمانان بگوید و آرام‌آرام به سر جای خود برمی‌گردد.

آخر همه می‌دانند که او فقط به پاس احترام به مقام والای هنر و هنرمندان به ماوایش رادیو آمده است. شأن او بسیار بالاتر از مشارکت در کارهای سبکسرانه است؛ اما افسوس که همواره سطح سلیقه عمومی را چیزهای دیگری رقم می‌زند. یکی دو سال بعد هم که اصلاً تر و خشک با یکدیگر می‌سوزند و صدای بنان به خاطره‌ای تبدیل می‌شود. سرانجام در ۸ اسفند ۱۳۶۴ با کوله‌باری از آزردگی آخرین آواز عمر خود را سر می‌دهد و در حالی که دوستدارانش با جاودانه تصنیف «کاروان» او را بدرقه می‌کنند:

با ما بودی بی ما رفتی/ تنها ماندم تنها رفتی...

■■■

غلامحسین بنان در ۱۱ اردیبهشت ۱۲۹۰ در تهران متولد شد. فقط چند سال از پیروزی انقلاب مشروطه می‌گذشت و غلامحسین در دامن مادری که برادرزاده ناصرالدین‌شاه قاجار بود پرورش می‌یافت. مادر با ساز پیانو آشنا بود و به مرور فرزندش را با دیگر نشانه‌های تجدد وارداتی در قرن بیستم آشنا می‌کرد. با این که ستاره اقبال خاندان قاجار در همان کودکی بنان افول اما او در ادامه مشق پیانو در نزد مادرش به محضر دیگر استادان موسیقی راه یافت. از جمله این هنرمندان مرتضی نی‌داود ـ استاد و همراه دیرین قمر بانوی آواز ایران ـ و ضیاءالذاکرین رسایی ردیف‌دان بودند. در ادامه همنشینی و موانست با بزرگانی چون ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، احمد عبادی و از همه مهم‌تر کلنل علی‌نقی وزیری از بنان خواننده‌ای ساخت که به «صدامخملی» آواز ایرانی معروف شد. او با درهم آمیختن جوهره ردیف و پیشینه هنر ایرانی با ضرورت‌های زمانه به شیوه فاخری دست یافت و آواز ایرانی را متحول کرد. میزان این دگرگونی‌ها را می‌توان با مقایسه صفحه‌های صدای خوانندگان پیش از بنان با او سنجید؛ چه در شعرخوانی و چه در ادای تحریرها. مثلاً بعضی از خوانندگان قبل ـ و حتی بعد ـ از بنان، یک‌باره یکی دو حرف پایانی بیت را نادیده می‌گیرند و آن را مثلاً از حرف «میم» یا «دال» به تحریر روی مصوت «آ» تبدیل می‌کنند! در آن زمان چند دهه بیشتر از زمان تدوین و گردآوری ردیف دستگاهی نمی‌گذشت و هنوز آواز ایرانی رنگ و بوی روستایی خود را حفظ کرده بود. این ویژگی صرف‌نظر از ارزش‌هایش چندان با شرایط روز و ورود به دنیای ماشینی همخوانی نداشت. بنان به موازات تلفیق موسیقی علمی و بین‌المللی با موسیقی ایرانی توسط وزیری و همراهانش به‌خوبی در رشته آواز این ضرورت‌ها را دریافت و به کار بست. البته پیش از او «دماوندی» و «سیدحسین طاهرزاده» و کسان دیگری نیز در تعالی آواز کوشیده بودند اما بنان در ادامه راه آنها جلوه‌های دیگری از پیشرفت هنر آوازی را در ایران باستان نمایان کرد. او آواز ایرانی را به «شیک‌خوانی» مزین کرد. نظم و انضباط در تولید صدا و حفظ رنگ و شخصیت آن، دقت در ادای شعر و تلفیق آن با موسیقی و اجرای درست تحریرها و هجاهای مختلف.

تا پیش از ظهور بنان، موسیقی ایران به دلیل شرایط اجتماعی حاکم، فقط دو سه گونه خواننده تولید می‌کرد. خوانندگان یا مذهبی، واعظ و تعزیه‌خوان بودند یا وابسته و گرمابخش محیط دربار به‌شمار می‌رفتند. شق دیگر خوانندگان مربوط به مطربان روحوضی و خراباتی بود. بنان از معدود افرادی بود که از دربار به میان مردم آمد و برای آنان هنرنمایی کرد؛ هرچند که شروع کار هنری او مربوط به دوران پس از سقوط حکومت قاجاریه است. به همین دلیل در سال‌هایی از زندگی با فقر نیز دست و پنجه نرم می‌کرد. این سختی‌ها اما تسلط او بر ابزار هنر را موجب شد. او هر شعر مشکلی را به روانی می‌خواند. به تحقیق بنان بهترین تلفیق‌گر و اجراکننده شعر در میان آوازخوانان یکصد سال اخیر است. ویژگی دیگر بنان، بم‌خوانی او است. تا قبل از او به دلیل نبود بلندگو و دستگاه پخش صوت، خواننده به کسی می‌گفتند که صدایی بلند و رسا داشت. مثل موذنانی که صدایشان تا چند آبادی به گوش می‌رسید. در آن زمان و تا سال‌ها بعد حتی خوانندگان زن نیز سعی می‌کردند مردانه آواز بخوانند! اما بنان تحت تاثیر وزیری و به ضرورت ورود میکروفن و دستگاه‌های ضبط و پخش صوت به این گنج بکر و دست نخورده صدای انسانی دست یافت و نخستین جلوه‌های صدای بم را برای ایرانیان عرضه کرد. او با اهدای صدای بم و فاخر خود به آواز ایرانی، بیش از پیش درست خواندن را رواج داد. با صدایی که وسعت و محدوده زیادی نداشت اما برد و تاثیر آن بسیار فراتر از گستره نت‌هایش بود! با مرور صدای خوانندگان تاریخ یکصدساله ضبط و پخش موسیقی در ایران، می‌بینیم که آواز بیشتر آنها در جاهای مختلف صدا، دارای رنگ و شخصیت متغیری است. بسیاری از آنها مثلاً صدای اوج خیلی خوبی دارند اما در صدای بم و میانی دارای ضعف‌هایی هستند. اما بنان با وحدت تونالیته در سه جای مختلف صدای خود، در همان محدوده دارای کامل‌ترین شخصیت صدایی در میان همه خوانندگان قرن اخیر است. او با پاک ماندن و حفظ روح و جسم خود حتی در دوره پیری و کهولت هم رنگ فاخر صدای خود را حفظ کرد. (آثاری از بنان در این دوره به همراه تار محمدرضا لطفی که به صورت خصوصی اجرا شده گواهی بر این مدعاست.) بنان طی مصاحبه‌ای در دهه پنجاه، محمدرضا شجریان را امید آینده آواز ایران خوانده بود. این پیش‌بینی درست از آب درآمد و شجریان در ادامه راه طاهرزاده و بنان به آوازخوانی پیشرو تبدیل شد. بی‌تردید فضای کلی بیشتر آوازهای شجریان ملهم و متاثر از بنان بود. کافی است سه‌گاه و چهارگاهی که در کلاس‌های مکتب آوازی شجریان تدریس می‌شوند را با شیوه بنان مقایسه کنید. به‌نظر نگارنده بی‌تردید اگر بنان به‌عنوان حلقه واسط میان طاهرزاده و شجریان وجود نمی‌داشت، امروز آواز ایرانی با سبک و سیاقی دیگر شنیده می‌شد.

در واکاوی زندگی او یک راز همچنان سر به مهر و ناگشوده وجود دارد؛ این که چگونه ممکن است فردی در هنر ظهور کند و سال‌ها فراتر از زمان خویش گام بردارد و جلو بزند. این شعار نیست، اغراق هم نیست. نگاهی به صداهای موجود فعلی و قبل و بعد از بنان بکنید تا به حقیقت ـ در واقع بخشی از حقیقت ـ صدای بنان پی ببرید. اصولاً در آن سال‌ها و همزمان با ظهور نیما و بعدتر اخوان و فروغ و شاملو در شعر و همچنین ستارگان عصر طلایی تئاتر ایران، در آواز نیز بنان ظهور می‌کند.

او از جمله نوابغ و مفاخر فرهنگ و هنر ایرانی است، عجیب این که همه این افراد فاصله زیادی با زمانه خویش داشتند و بیشتر آنها پس از مرگ خود از سوی جامعه کشف شدند. البته این ویژگی شامل بسیاری از آنها ـ از جمله شاملو در شعر و بنان در آواز ـ نمی‌شود؛ اما به‌زعم نگارنده این دو تن نیز خصوصیات زیادی دارند که مدت‌ها باید بگذرد تا مکشوف شوند.

جعفر والی هنرمند ارزنده تئاتر و سینما با نقل خاطره‌ای به‌گونه‌ای نمادین بر این نکته صحه می‌گذارد: «یکی از مسائل مهم و حیاتی ما در کودکی و نوجوانی پوشاک بود. هر سال شب عید، پدر ما را به بازار می‌برد و برای من و برادرانم نفری یک دست کت و شلوار کازروی می‌خرید و آن یک لباس به رنگ خاکستری روشن بود که چینی‌ها شبیه‌اش را بر تن می‌کردند؛ از همان‌هایی که کت‌هایش تا پایین تکمه داشت. از طرفی چون ما در حال رشد دائمی بودیم همیشه برایمان یکی دو سایز بزرگ‌تر از اندازه واقعی‌مان لباس می‌خریدند. در نتیجه در تمام مدت عید و بهار، این لباس‌ها به تن ما گریه می‌کرد!

برای رفع این مشکل مادرم پاچه‌ها و آستین‌های این لباس را به اصطلاح «تو» می‌زد تا اندازه‌مان شود. در فصل تابستان که به دلیل گرما لباس‌ها را کنار می‌گذاشتیم اما دوباره اول پاییز لباس‌ها را از گنجه بیرون می‌آوردیم. سپس با باز کردن آستین و پاچه توزده سعی می‌کردیم آن را به اندازه جدید خود وفق دهیم. اما چشمتان روز بد نبیند! هر سال پاییز لباس‌های ما کوتاه‌تر از خودمان می‌شد؛ انگار زیادی بزرگ شده بودیم! مشکل دیگر این که به دلیل نتابیدن آفتاب به قسمتی از آستین و پاچه، لباس ما دو رنگ شده بود. مثل این که تنگ و گشاد شدن لباس ما کنایه‌ای از تقدیرمان بود که همیشه می‌بایست یا در تنگنا باشیم و یا در گشادی و بی‌قوارگی!» عجیب این که اکثر هنرمندان و نوابغ عصر ما نیز درست در موقعی ظهور کردند که از سوی اکثریت جامعه درک نشدند. در مقابل در سال‌های بعد با رشد و فراگیر شدن طبقه متوسط کمتر هنرمند و اندیشمندی در آن اندازه‌ها رخ نمود. به احتمال زیاد این پارادوکس بزرگ نتیجه بازی‌های یک در میان افراط ـ تفریط یا بهتر بگویم جابه‌جایی‌های مکرر سنت ـ تجدد در جامعه همچنان در حال گذار ماست. جامعه‌ای که همواره سنت خود را بر آن تحمیل کرده است.

ایرج قادری فیلمساز معروف سینمای فارسی در مصاحبه‌ای به نکته جالبی اشاره کرد. او می‌گفت (نقل به مضمون) که وقتی پس از رها کردن تحصیلات دانشگاهی در رشته پزشکی به سینما رو می‌کند، می‌بیند که در دهه چهل بسیاری از شخصیت‌های فیلم‌های ایرانی از قشر روشنفکر یا اشرافی و دست‌کم نظامی بوده‌اند. این شخصیت‌ها معمولاً نام‌هایی شیک چون بهروز، کامران و منوچهر داشته‌اند. اما در اواخر این دهه تا زمان انقلاب قاطبه کاراکترهای سینمای بعد از قیصر به قشر لمپن و جاهل تنزل درجه پیدا می‌کنند و نام‌هایی مثل غضنفر و فتنه و کافر بر خود می‌گیرند! نظیر این سیر نزولی را در موسیقی آوازی نیز می‌توان ردیابی کرد. چنان‌که آواز ایرانی از طاهرزاده، ظلی، قمر و بنان در اواخر دهه سی به گلپایگانی می‌رسد. سپس ایرج در دهه چهل با صدای بی‌نظیر خود در ابتذال فیلمفارسی ـ به‌ویژه از نظر کلامی ـ شریک می‌شود. در ادامه کسانی چون آغاسی، عباس قادری، جواد یساری و چند خواننده زن نوع خاصی از موسیقی ایرانی آمیخته با تم‌های عربی و ترکی استانبولی را رواج می‌دهند. هر چند که بعدتر در دهه پنجاه و سال‌های بعد شجریان تا حدودی آواز ایرانی را از این بیراهه‌ها نجات می‌دهد. اما موسیقی کوچه‌بازاری بار دیگر در لس‌آنجلس حیاتی دوباره می‌یابد. این موسیقی در دهه شصت از طریق صدای یک خواننده لس‌آنجلسی (معین) تا دورترین روستاهای ایرانی نفوذ می‌کند و امروز بسیاری از خوانندگان مجاز پاپ داخلی او را الگوی خود قرار داده‌اند.

بنان در ارکستر هنرستان موسیقی ملی

ریتم

تعیین نرخ روزانه برای نان

بهرنگ تنکابنی*

چند روز پیش مصادف بود با شصتمین سالروز تاسیس رادیو. رادیویی که امروز با داشتن حدود ۴۰ شبکه بزرگترین قدرت رسانه‌ای را در دست دارد. رادیویی با تعریف دولتی و سیاست دولتی.

در این شصت سال هیچ گاه به توانایی و وظیفه رادیو در مقابل موسیقی، جدی فکر نشده. در تمام دنیا رادیوها مهمترین ارگان‌ها برای ارائه و معرفی آثار موسیقیدانان به شمار می‌رود و رادیو محملی مهم برای ناشران و دست‌اندرکاران تولید موسیقی است. یک هنرمند و یا یک تهیه‌کننده موسیقی در بیشتر نقاط دنیا حداقل فعالیت تبلیغاتی‌ای که برای محصول خود در نظر دارد، پخش و معرفی آثارش در شبکه‌های رادیویی است. از طرف دیگر علاقه‌مندان موسیقی نیز رادیو را به عنوان محلی مناسب برای آشنا شدن با آثار جدید می‌شناسند و به آن اعتماد می‌کنند. اما در ایران محصولات موسیقی برای رادیو تنها به مثابه آهنگ‌های ناشناخته‌ای می‌ماند که برای پر شدن میان‌برنامه‌ها به کار می‌روند. آهنگ‌هایی بی‌نام و نشان که در بهترین حالت بخشی از ملودی و یا ترانه آن در ذهن شنونده می‌مانند. علاقه‌مند بی‌نوا هم هر چه در مراکز فروش محصولات موسیقی برای فروشنده «دل ای دل ای» می‌کند، نمی‌تواند فروشنده از همه‌جا بی‌خبر را به آهنگ مورد نظرش برساند. البته در مورد خوانندگان مطرح موسیقی پاپ وضع کمی فرق می‌کند، ولی مگر موسیقی در ایران به چند خواننده پاپ که اکثراً نفعی در صداوسیما برای آنها وجود دارد، ختم می‌شود؟

در این وانفسایی که فعالان موسیقی در ایران با رفتارهای وقیح تلویزیون در قبال این هنر تنها چشم امید به رادیو دارند، این رسانه ملی نیز در اقدامی بی‌سابقه دست به معرفی آثار غربی‌زده است! از آنجایی که تمامی آثار ناب تولید داخلی به صورت گسترده تحت پوشش رسانه‌ای رادیو قرار گرفته و دیگر اثری باقی نمانده که توسط رادیو معرفی نشده باشد، رادیوپیام به عنوان یک رادیوی شهری پرمخاطب به معرفی آلبوم جدید «نیل یانگ» خواننده کانادایی موسیقی راک می‌پردازد!

رادیو پیام در تاریخ چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۸۵، پیش از پخش اخبار ساعت ۱۱: «نیل یانگ ستاره موسیقی راک، در آلبوم جدید خود به مضامین ضدجنگ پرداخته است. آلبوم جدید این خواننده کانادایی بسیاری از محافل خبری اینترنتی را مورد توجه خود قرار داده. در این آلبوم یانگ به سیاست‌های جنگ‌طلبانه بوش شدیداً انتقاد کرده و مضامین صلح‌طلبانه‌ای را مطرح می‌کند.» در ادامه گوینده رادیو ضمن تمجید فراوان از این خواننده، بخشی از یکی از ترانه‌های این خواننده را ـ آن هم با ترجمه‌ای بسیار ضعیف ـ با لحنی حماسی می‌خواند. پس از اتمام خواندن این ترانه، آهنگ «Everything I do, I do it for you» اثر «برایان آدامز» به صورت بی‌کلام پخش می‌شود. ربط پخش شدن این آهنگ و آلبوم جدید «نیل یانگ» به عهده شما!

و حال چند سئوال: اگر یک موسیقیدان راک در ایران ـ که همه می‌دانیم تعدادشان کم هم نیست ـ آلبومی با مضامین ضدجنگ می‌ساخت، آیا این آلبوم موفق به دریافت مجوز می‌شد؟ آیا آثار این هنرمند از رادیو پخش می‌شد؟ آیا این موسیقیدان می‌توانست آثارش را در یک کنسرت به اجرا درآورد؟

بسیاری از هنرمندان ما همچون «محمدرضا لطفی»، «محمدرضا شجریان»، «پرویز مشکاتیان»، «حسین علیزاده» و بسیار بسیار دیگر آثار بدیع و به‌یادماندنی با مضامین اجتماعی همچون جنگ